احساس، درک معنا و تغییر وضعیت و امکان وجود آن‌ها در هوش مصنوعی

برای این ذهنی که در این پایه می‌گذاریم چه کارهایی هست؟ در خود انسان‌ها سه کار داریم: یکی احساس سردی و گرمی است؛ دستتان را در یک آب می‌گذاری و می‌گویی داغ است. یکی هم درک معنای سردی و گرمی است؛ الآن که من لفظ سرد را گفتم، شما احساس سردی نکردی، بلکه معنای این واژه را درک کردی؛ این‌ها کاملاً متفاوت است؛ درک معنای سردی و احساس سردی. دیگری، تشخیص سردی و تبدیل آن است؛ الآن می‌بینی دستتان یخ کرده و آن را از آب بیرون می‌آوری؛ این باز غیر از نفس احساس است؛ شما داری آن را تشخیص می‌دهی و کاری می‌کنی که تغییر وضعیت دهد. این سه تا را در نظر داشته باشید. آیا هر سه این‌ها می‌تواند در ماشین بیاید؟ در این ذهن پایه‌محور می‌تواند بیاید؟ فیلسوف‌های ذهن در اینجا خیلی بحث کرده‌اند. می‌گویند اوصاف و حالات ذهن را نمی‌توانیم در ماشین بیاوریم. خیلی بحث کرده‌اند؛ احساس که به ماشین نمی‌آید و ماشین، آخرش ماشین است. اگر یک ربات دستش را در آب گذاشت، قرار نیست مثل ما احساس سردی کند و در حافظه نمی‌تواند این کارها را کرد. اما آیا می‌تواند درک معنا کند یا نه؟ البته احساس را هم به‌عنوان شروع بحث می‌گوییم؛ کسانی که مدافع هستند، می‌گویند می‌شود.

قبلاً عرض کرده‌ام که شروع این حرف‌ها برای تورینگ بود. تورینگ گفت اندازه‌ای که من می‌فهمم در این ماشین می‌توانیم همه چیز را بیاوریم مگر روح که خدا باید آن را بدهد. یعنی او شروع کننده بود و گفت غیر از روح که باید خدا بدهد، همه چیز در اینجا می‌آید. البته این مبالغه است. به این خاطر که برای او مرز بین کارهایی که روح انجام می‌دهد و کارهایی که ماشین انجام می‌دهد، واضح نبوده و مخلوط شده بود و الا روحی که در بدن هبوط کرده، عجائب عجائب دارد.

در در فیزیکالیسم، مثال رادیو را عرض کردم و گفتم در رادیو به جایی می‌رسیدی که می‌فهمیدی از بیرون می‌آید. الآن در این رباتی که نفس ندارد، شما می‌توانید به آن آنتن بدهید تا مثل رادیو باشد - یعنی با آنتن خودش از بیرون اطلاعات دریافت کند - اما باز هم اطلاعات مادی، در عالم ماده و در عالم فیزیکی است.

شاگرد: گیرنده غیبی نمی‌توانیم به آن بدهیم.

استاد: بله. البته اگر دستگاه ادیسون سر نرسد. می‌گویی ادیسون می‌خواسته دستگاهی بسازد که مردگان از طریق آن صوت ایجاد کنند که آن حرف دیگری است. و الا فعلاً آنتنی که رباط می‌تواند داشته باشد، همین آنتن امواج الکترومغناطیسی ما است. اما خدای متعال در بدن انسان، گیرنده گذاشته است؛ گیرنده‌ای که از عالم اله می‌گیرد، از مجردات می‌گیرد، از عالم قدس می‌گیرد؛

روحی است که در اینجا کارهای خودش را انجام می‌دهد و برمی‌گردد؛ «مِنْهَا قَدِمَ وَ إِلَيْهَا يَنْقَلِبُ»[1]؛ این جمله عال العال امیرالمؤمنین علیه‌السلام است؛ این‌ها خیلی اهمیت دارد. چون این جهات برای او

[توری‌نگ] روشن نبوده، در آن فضای دانشگاهی خودش گفته غیر از روح، همه چیز را می‌توانیم در این ماشین بیاوریم. حالا نمی‌دانم روحیه او چطور بوده. اتفاقاً خوبی این بحث‌هایی که انجام می‌دهیم، این است که بیخودی مضایقه نکنیم و مرزها را تشخیص دهیم. وقتی مرزها را تشخیص دادیم، آن وقت کارهایی که این بدن انسان که روح دارد و می‌تواند انجام بدهد، جلو می‌کشیم و می‌گوییم این رباتِ شما که می‌گویید غیر از روح همه کاری را انجام می‌دهد، این کار را انجام نمی‌دهد. نظیرش هست. اصلاً [موضوع خوبی برای] مقاله است [که نوشته شود] - شما به آن فکر کنید - امتیازاتی که انسان روحدار انجام می‌دهد که محال است در ماشین ظهور کند. شبیه مثال‌هایی که در الفالاطون‌گرائی گفتم [که خوب است جمع‌آوری شود تا حقیقت امر را نشان دهد]. لذا پایه‌محور که می‌گوییم، درک معنای این نمادها برای عقل است. درک معنا برای اینجا نیست. و لذا ماشین هم با همه این کارهایی که انجام می‌دهد و پایه‌محور است، درکی در آن نیست، اما پایه‌ای است که با واقعیتی که دارد، می‌تواند در این پایه کار انجام دهد، مستقل از ناظر، بدون اینکه بتواند کارهای روح را انجام بدهد.

---

[1] نهج البلاغة , جلد۱ , صفحه۲۱۵

بازبینی #2
ایجاد شده 10 فوریه 2025 12:23:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 فوریه 2025 12:43:04 توسط ... .